

پژوهش‌نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

No. 34, Spring & Summer 2024

صص ۱۰۵-۱۲۱ (مقاله پژوهشی)

بازخوانی و ارزیابی روایات «من کذب علی متعتمدا...» از منظر محمود ابوریه

محمدتقی دیباری بیدگلی^۱، محمدالله مرادی قویدلان^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱)

چکیده

محمود ابوریه از منتقدان حدیث، در کتاب اضواء علی السنّه المحمدیه، متاثر از دیدگاه خود، درباره نقل به معنای روایات و عدالت صحابه، قید «متعتمدا» در روایت «من کذب علی متعتمدا» را به شدت مورد انکار قرار داده است؛ او معتقد است، این قید از طریق جعل جاعلان یا درج راویان، وارد حدیث شده است، چون این قید، با عقل بشری و همچنین خلق و خوی پیامبر اسلام ﷺ سازگاری ندارد؛ در این مقاله، با بررسی و ارزیابی دقیق ادعای ایشان، اثبات شده است که شواهد او، ناتوان از اثبات مدعایش است و این قید، نه تنها از طریق جعل یا درج وارد روایات نشده است، بلکه قید «متعتمدا» بهطور متواتر از صحابه جلیل القدر پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است؛ بنابراین، این قید، مورد تأیید قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ است و هیچ محذور عقلی نیز ندارد.

کلید واژه‌ها: محمود ابوریه، حدیث موضوع، حدیث مدرج، تعمد کذب، من کذب علی متعتمدا، اضواء علی السنّه المحمدیه، منع حدیث.

mt_diari@yahoo.com

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران.

Ghavidelan66@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسده مسئول)،

۱- مقدمه و بیان مسأله

محمود ابوریه، یکی از چهره‌های شاخص جریان متفidan حدیث جهان اهل تسنن و از دانشمندان بر جسته و نوآندیش اثرگذار بر حدیث پژوهان معاصر بوده است؛ آثار او همچنان منبع الهام برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به علم حدیث و تاریخ اسلام محسوب می‌شود؛ برخی از نقدهای عمیق و تحلیل‌های دقیق او در بین اندیشمندان اسلامی مناقشات زیادی به پا کرده است. ایشان دارای دو کتاب مهم و مشهور به نام «اضواء على السنة المحمدية» و «ابوهریره شیخ المضیره» می‌باشد که عمدۀ نظریات خاص و بدیع خود را در این دو کتاب مطرح کرده است. وی در کتاب اضواء على السنة المحمدية، ماحصل مطالعات و اندیشه خود را چنین بیان کرده است: عمدۀ مصائب و مشکلات اسلام به خاطر دو چیز است: اعتقاد به عدالت همه صحابه و اعتماد ساده‌لوحانه به مجموعه احادیشی که صحیح و غیر صحیح در آن‌ها گردآوری شده است. (ابوریه، ۳۴۰)

ابوریه متاثر از دیدگاه خود درباره نقل به معنای روایات و عدالت صحابه، قید «متعتمداً» در روایت من کذب علی متعتمدا را مورد انکار شدید قرار داده است؛ او ادعا می‌کند، این قید از طریق جعل جاعلان حدیث یا درج راویان برای رفع پیامدهای شرعی خطای سوء فهم را ایان، وارد روایت شده است، چون این قید، با عقل انسان و خلق و خوی پیامبر اسلام ﷺ سازگاری ندارد.

۲- پیشینه تحقیق

دیدگاه‌های ابوریه از سوی بسیاری از حدیث پژوهان، مورد نقض و ابرام قرار گرفته است؛ در نقد برخی دیدگاه‌های او، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی به رشتۀ تحریر درآمده است.

۱- مقاله «تأملی در حدیث نبوی «من کذب علی متعتمداً» اثر حسن تقی‌زاده که در

سال ۱۳۸۷، شماره پیاپی ۸۱/۳ در مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث انتشار یافته است. در این مقاله، روایت مذکور، از جهت دلالی و سندی مورد بررسی قرار گرفته، همچنین مناقشات برخی مستشرقان و حدیث پژوهان معاصر پیرامون جعل یا مُدرج بودن حدیث مذکور مورد نقد و واکاوی قرار گرفته است و با نفی مناقشات پیرامون آن، اعتبار حدیث مذکور را نتیجه گرفته است.

- مقاله «حجیت سنت از دیدگاه ابوریه» اثر محمد ابراهیم ضمیر روشن که در سال ۱۳۹۱، شماره ۷ در مجله حدیث پژوهی منتشر شده است. در این مقاله اعتبار سنت از دیدگاه ابوریه، مورد نقد و بررسی قرار گرفته و لازمه قبول برخی دیدگاه‌های او، انکار حجیت سنت، تزلزل بنیان آن و قرآن بسنده شده است.

- مقاله «بررسی مبانی فکری و آراء ابوریه در زمینه حدیث» اثر اختر سلطانی در سال ۱۳۹۶، شماره ۲۷ در مجله پژوهش‌های اعتقادی نشر یافته است. در این مقاله مبانی فکری ابوریه به عنوان یکی از چهره‌های شاخص جریان منتقدان حدیث اهل سنت، در مواجهه با حدیث تبیین و مورد تحلیل گرفته، برخی از آراء ایشان که با مسلمات کلامی و روایی ناسازگار است؛ مانند بحث تفکیک میان سنت گفتاری و رفتاری، تعیین حدود برای عصمت پیامبر ﷺ، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

- پایان‌نامه «نقد و تحلیل بخش السنّه کتاب اضواء علی السنّه المحمدیه» از محمد رشید شیخ احمد با راهنمایی زهرا کاشانی‌ها در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی منتشر شده است. در این پایان‌نامه، بخش سنت کتاب «اضواء علی السنّه المحمدیه» ابوریه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و برخی مبانی ایشان در مورد سنت پیامبر اسلام ﷺ؛ مثل عدم عصمت ایشان در امور دنیاگی و محدودیت آن به وحی و امور اخروی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

- پایان‌نامه «تبیین و تطبیق مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب اضوا علی السنّه المحمدیه و الانوار الکاشفه» از سید محمد اخوان بهبادی با راهنمایی محمد‌کاظم رحمان

ستایش در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه قم انتشار یافته است؛ در این پایان‌نامه به بررسی و تبیین مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب «اضواء علی السنّة المحمدیّة» و «الانوار الكاشفة» پرداخته شده است. بنابر این تحقیق، معلمی نقد قابل توجهی به مبانی روش فهم حدیث ابوریه ندارد اما دیدگاه‌های وی را در مورد مبانی نقد حدیث به نقد کشیده است. بیشترین نقد معلمی در مورد معیارهای قرآن سنت قطعی و عقل است و مثال‌هایی را در عدم مخالفت و یا تعارض با ادله قطعیه و شرعیه می‌آورد.

همچنین کتب متعددی نیز پیرامون حدیث مذکور و ادعاهای ابوریه پیرامون آن، نوشته شده است.

الف. طبرانی در کتابچه‌ای با عنوان «طرق حدیث من کذب علی متعتمدا للطبرانی» سلسله اسناد و نسخه‌های متعدد این حدیث را به رشتہ تحریر درآورده است.

ب. عبدالرحمٰن معلّمی در کتاب «الانوار الكاشفة»، کاملترین اثر را در نقد اندیشه‌های ابوریه ارائه داده است. ایشان نقد قابل توجهی به مبانی روش فهم حدیث ابوریه ندارد اما دیدگاه‌های وی را در مورد مبانی نقد حدیث به نقد کشیده است. بیشترین نقد معلمی در مورد معیارهای قرآن سنت قطعی و عقل است.

ج. محمد ابوشهبه در کتاب «دفاع عن السنّة»، ابتدا به بیان جایگاه سنت در دین اسلام پرداخته، سپس نقدی کلی بر کتاب «اضواء علی السنّة المحمدیّة» ابوریه وارد کرده، سپس به نقد تفصیلی آراء مناقشه برانگیز او از جمله عصمت پیامبر ﷺ متواتر و حدیث من کذب علی متعتمدا پرداخته است.

د. محمد عبدالرزاق حمزه در کتاب «ظلمات ابی ریه امام اضواء السنّة المحمدیّة» نقدهای متعددی بر آرای ابوریه وارد کرده است؛ از جمله مطالبی که ابوریه پیرامون حدیث من کذب علی متعتمدا، بیان کرده است.

ه. مصطفی سباعی در کتاب «السنّة و مکانتها فی التشريع الاسلامی»، به نقد و بررسی اشکالات مستشرقین و برخی معاصرین مسلمان مثل ابوریه درباره حجیت و اعتبار سنت به

عنوان دومین منبع شریعت اسلام، پرداخته است.

تحقیق حاضر با گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها و با روش توصیفی، تحلیلی با واکاوی و ارزیابی دقیق و جامع ادعاهای ابوریه پیرامون قید «متعمند» در حدیث من کذب علی، پرده از صحت و سقم ادعاهای او برداشته است؛ در تحقیقات پیشین، برخی به مسئله مذکور ورود پیدا نکردند و برخی دیگر به صورت گذرا بررسی کردند و از دقت و جامعیت لازم برخوردار نیستند.

۳- دیدگاه ابوریه پیرامون حدیث من کذب علی متعمند

ابوریه در کتاب اضواء علی السنّه المحمدیه می‌نویسد: وقتی حدیث «من کذب علی متعمند» را خواندم، وحشت سراسر وجودم را فرا گرفت چون امکان نداشت از پیامبر اسلامی که همه را دعوت به صدق و راستی می‌کند، قید «متعمند» صادر شده باشد، چون کذب، خبر دادن برخلاف واقع است، چه از روی عمد باشد یا سهو (ابوریه، ص ۱۹).

همچنین عدم ذکر این قید در روایات صحیحه از صحابی جلیل القدر، به ویژه خلفای سه‌گانه دلالت می‌کند که در اصل حدیث صادر شده از نبی اکرم ﷺ، قید «متعمند»، مذکور نبوده است و بعد از صدور اصل حدیث، بدان اضافه شده است. هیچ صاحب عقلی، نمی‌پذیرد که این قید، از پیامبر اسلام ﷺ صادر شده باشد، چون مخالف با عقل و خرد بشری و خلق و خوی رسول مکرم اسلام ﷺ است، به این علت که در صدق «کذب»، صرف خبر دادن برخلاف واقع کفايت می‌کند و فرقی بین عمدی و سهوی بودن آن، نیست. بنابراین، احتمال دارد قید «متعمند» از طریق جعل جاعلان حدیث، وارد روایت شده باشد. افراد ساده لوح و ظاهر اصلاحی که اعتقاد داشتند جعل حدیث، حسنه و برای خشنودی خدا اشکالی ندارد، می‌گفتند: ما به ضرر پیامبر ﷺ دروغ نمی‌گوییم بلکه به نفع او، جعل حدیث می‌کنیم.

احتمال دیگر در این قید، درج از طریق راویان حدیث است که برای برای رفع گناه خطأ یا سوء فهم خود بدان تکیه می‌کردند (همان، ۶۰).

۳-۱. بهترین دلیل بر مدعای

ابوریه معتقد است، بهترین دلیل نقلی بر اصالت نداشتن قید «متعتمداً»، روایت زبیر بن عوام است. در روایت مورد اشاره، از زبیر، علت کمی نقل روایت از پیامبر اسلام ﷺ را جویا می‌شوند با اینکه زبیر، مدت زیادی همنشین پیامبر بوده و نسبت خویشاوندی با حضرتش داشته است، زبیر در جواب، علت کمی نقل حدیث از حضرت رسول را، حدیث من کذب علی (بدون قید متعتمداً) ذکر می‌کند، و در برخی طرق این روایت، در ادامه حدیث، جمله «وَاللَّهِ مَا قَالَ مَعْتَمِدًا وَ أَنْتُمْ تَقُولُونَ مَعْتَمِدًا» ذکر شده است که صراحتاً بر عدم وجود قید «متعتمداً» در اصل روایت نبوی دلالت می‌کند (همان، ۶۱).

ابن حجر در شرح حدیث مذکور، معتقد است: تمسک زبیر به این حدیث در کمی نقل حدیث از پیامبر، بهترین دلیل بر این مطلب است که دروغ، خبر دادن بر خلاف واقع است و تعمید در آن مدخلیتی ندارد، اگرچه مخطئ به اجماع علماء، گناهکار نیست ولی کثرت نقل حدیث، راوی را در مظان خطأ و اشتباه قرار می‌دهد (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱/۱).

۴- نقد و بررسی

در این بخش هر یک از ادعاهای ابوریه در مورد قید «متعتمداً» در حدیث من کذب علی متعتمداً، مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. روایات خلفای ثلاثة سه‌گانه

ترجمیح روایات منقول از صحابی جلیل القدر در موارد تعارض در جای خود مطلبی درستی است، و ممکن است بخاطر ویژگی ممتاز یک صحابه، روایتی را بر روایات دیگر ترجیح دهیم ولی به صورت مطلق، نمی‌توان چنین حرفی زد. در روایات متعارض، بدون دلیل نمی‌توان روایتی را بر روایت دیگر ترجیح داد، در غیر این صورت ترجیح بلا مردج پیش می‌آید (علمی، ۹۲).

قابل توجه است که در اغلب روایات صحیحین و کتب معتبر حدیثی اهل سنت، این حدیث همراه با قید «متعتمدا» ذکر شده است. (پخاری، ۳۳/۱؛ قشیری نیشاپوری، ۹/۱؛ ابن ماجه، ۲۱/۱؛ ابن حنبل، ۲۰۰/۱۹؛ دارمی، ۳۰۳/۱؛ طیالسی، ۱۹۷/۱؛ ابن وهب، ۱۰۸/۱؛ ترمذی، ۳۵/۵؛ ابن راهویه، ۲۹۰/۱؛ بزار، ۱۸۶/۳)

دانشمندان علوم اسلامی و محدثان آگاه، در هنگام تعارض بین روایات، حدیثی که طرق آن، اکثر و اقوی است را ترجیح داده و مطلق را حمل بر مقید می‌کنند. طبق قاعده «من حفظ حجۃ علی من لم يحفظ»، مثبت بر نافی مقدم است. (ابوشهیه، ۵۲؛ البانی، ۲۶)

۴-۲. منافات با عقل و خلق و خوی پیامبر

مخالفت قید «متعتمداً» با خرد انسانی و خلق و خوی پیامبر گرامی اسلام، ادعایی فاقد دلیل معتبر است.

خداآوند تبارک و تعالی در قرآن کریم در آیات متعدد، دروغ بر خود را با تعبیر «افتراء الكذب» بیان کرده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (نک : الانعام، ۹۳ و ۲۱؛ العنكبوت، ۶۸؛ هود، ۱۸؛ صف، ۷؛ یونس، ۱۷؛ الکهف، ۱۵؛ الاعراف، ۳۷؛ الزمر، ۳۲). افتراء کذب بر خدا، همان تعمّد در دروغ گفتن است.

دانشمندان اهل لغت واژه افتراء را استعاره بر دروغ گویی همراه با عمد می‌دانند (طربی‌ی، ۳۲۹/۱؛ ابن فارس، ۴۹۷/۴؛ ابن منظور، ۱۵۴/۱۵؛ ازهري، ۱۷۵/۱؛ مرتضی زبیدی، ۴۵/۲). سوالی که در اینجا شایسته طرح است، این است که آیا دروغ بستن بر پیامبر خدا، بالاتر از دروغ بستن بر خود خداوند متعال است؟ وقتی خداوند حکیم، دروغ بر خود را با قید تعمّد (افتراء) ذکر می‌کند، هیچ محذور عقلی ندارد که فرستاد او نیز، کذب بر خود را مقيد به عمد کند. بنابراین، قید زیاده، مورد تأیید کتاب خدا است.

سنت پیامبر اسلام ﷺ نیز مؤید اصالت داشتن این قید است.
عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ: مَرَّ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا، وَكَحْنُ تَحَدَّثُ فَقَالَ: «مَا

تَحَدَّثُونَ؟» فَقُلْنَا: مَا سَمِعْنَا مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «تَحَدَّثُوا وَلْيَبُوَا مَقْعَدَهُ مَنْ كَذَبَ عَلَىٰ مِنْ جَهَنَّمَ» وَمَضَى لِحَاجَتِهِ، وَسَكَنَ الْفَوْقَ، فَقَالَ: «مَا شَأْتُهُمْ لَيَتَحَدَّثُونَ؟» قَالُوا: لِلَّذِي سَمِعْنَاهُ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِنِّي لَمْ أُرِدْ ذَلِكَ، إِنَّمَا أُرِدُّ مَنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ» فَتَحَدَّثُنا،

رافع بن خديج می‌گوید: روزی با جمعی از صحابه در حال گفتگو بودیم که پیامبر اسلام ﷺ بر ما گزرد کرد و فرمود: درباره چه چیزی گفتگو می‌کنید؟

گفتیم: ای رسول خدا درباره احادیثی که از شما شنیده‌ایم.

فرمود: گفتگو کنید ولی بدانید که هر کس بر من دروغ بیند، جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود. سپس پیامبر رفت، آن گروه بخاطر سخن پیامبر سکوت اختیار کردند. پیامبر در حال بازگشت وقتی مشاهده کرد ساکت هستیم و گفتگو نمی‌کنیم، فرمود: علت چیست؟ چرا گفتگو نمی‌کنید؟

گفتیم: ای رسول خدا به خاطر سخنی است که از شما شنیدیم (من کذب علی...). پیامبر فرمود: «انی لم ارد ذلك، انما اردت من تعمد ذلك». آنچه شما گمان برده‌اید، مقصود من نبوده است، بلکه مراد من کسی بود که به عمد بر من دروغ بندد، پس ما به گفتگو ادامه داده و به نقل احادیث پرداختیم. (رامهرمزی، ۳۶۹؛ خطیب بغدادی، ۷۳؛ ابن عساکر، ۲۰۴/۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۷/۲۹)

مطابق عقل خدا دادی بشر، عقاب انسان فراموشکار یا مخطی بر عملی که قصد و عمدی در آن ندارد، از خداوند حکیم قبیح است، لذا حکمت و عدالت خداوند تبارک و تعالی اقتضا می‌کند که عقاب بر افعال مکلفین، مقید به قصد و اراده باشد. بنابراین قید «متعتمداً» از منظر عقل مستقل، صرف نظر از حکم شروع نیز، محظوریتی ندارد، بلکه وجود آن ضروری است؛ بنابراین قید زیاده مورد تأیید قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و هیچ محظور عقلی نیز ندارد.

۴-۳. حقیقت کذب

ابوریه معتقد است که کذب، خبر دادن برخلاف واقع است اعمّ از اینکه عمدی یا سهوی باشد.

در تعریف و تبیین حقیقت کذب، بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

جرجانی معتقد است کذب، عدم مطابقت خبر با واقع است (جرجانی، ۷۹/۱). جاخط معتقد است کذب، اخبار بر خلاف اعتقاد مخبر است (جاخط، ۳۲). اما نظام، مخالفت اخبار با واقع و اعتقاد مخبر، هر دو را شرط می‌داند (تفتازانی، ۳۹). جمهور دانشمندان، اخبار بر خلاف واقع را کذب می‌دانند (زرکشی، ۸۱/۶؛ شنقبطي، ۳۴؛ ابن إمام الكاملية، ۲۵۳/۴). اما متبادر از این جمله که فلانی دروغ گفت یا دروغگو است، تعمد داشتن آن شخص است بنابراین به شخص مخطئ، دروغگو گفته نمی‌شود (علمی، ۹۹).

طحاوی معتقد است، ذکر قید متعتمداً در برخی از روایات، صرفا برای تاکید آمده است، مثل سخنان برخی از مردم که می‌گویند: با چشم‌هایم دیدم، با گوش‌هایم شنیدم، درغیر این صورت نیازی به ذکر آن نیست. در قرآن نیز درباره سارق (مائده، ۳۸) و زانی (نور، ۲)، قید عمد را ذکر نکرده است، چون بدیهی است که این امور بدون قصد و تعمد رخ نمی‌دهد (طحاوی، ۳۶۹/۱).

بنابراین متبادر از حدیث من کذب علی، تعمد داشتن است و لزومی به ذکر قید زیاده نیست، جز برای تاکید.

۴- انگیزه راویان

بیان ابوریه از ملازمه بین حسبة و غیر تعمد در انگیزه راویان حدیث، صحیح نیست. چگونه ممکن است جعل به قصد قربت با تعمد نداشتن، جمع شود؟ در تاریخ عده‌ای ساده لوح جاهل مثل فرقه صوفیه و کرامیه به قصد خشنودی خدا و خدمت به دین اسلام، عامدانه، احادیثی جعل می‌کردند اما عمل این عده، به صراحت کلام خودشان با قصد و عمد همراه بوده است. بنابراین، تفسیر حسبة و قصد قربت در انگیزه راویان، به غیر عمد، تفسیری بدون دلیل و غیرقابل قبول است.

تحلیلی که ابوریه از انگیزه جعل جاعلان یا درج راویان در قید متعتمداً ارائه می‌دهد، نیز

نادرست است، چون روایان در نقل روایت برای در امان ماندن از گناه خطأ یا فراموشی، نیازی به این قید ندارند، کتاب خدا، سنت پیامبر و اجماع علماء، گناهی را متوجه مخطئ یا ناسی نمی‌دانند تا برای رفع آن، قیدی را به روایت اضافه کنند (علمی، ۵۳). همچنین خدا در قرآن با صراحة بین خطأ و عدم تفاوت می‌گذارد (الاحزاب، ۵) و همچنین عذر مُکرَّه را می‌پذیرد (النحل، ۱۰۶) بنابراین به طریق اولی باید عذر مخطئ که تعمدی ندارد نیز پذیرفته شود.

البته کلمه «علیّ» در طول تاریخ، دستاویز عده‌ای جاهل و گمراه قرار گرفته است. آنان احادیثی جعل می‌کردند و در پاسخ اعتراض معتبرضان می‌گفتند ما بر علیه پیامبر دروغ دروغ نمی‌بندیم بلکه به نفع او و دینش دروغ می‌سازیم (سیوطی، ۳۳۴/۱). اگر ابوریه در این مسئله در کلمه «علیّ» مناقشه می‌کرد، منطقی و قابل توجیه بود تا در قید «متعمند» که بعد از ادله‌ای که از قرآن، سنت و عقل ارائه شد، جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند.

۴-۵. روایت زبیر بن عوام

بهترین دلیلی که ابوریه به زعم خود بر مدعای خویش اقامه کرده، روایت زبیر بن عوام است. ایشان معتقد است، حدیث زبیر بدون قید «متعمند» از او نقل شده است. زبیر نیز، علت کمی نقل حدیث از پیامبر را همین روایت ذکر کرده است و در ادامه حدیث متذکر شده است که من از پیامبر قید «متعمند» را نشنیده‌ام.

قابل توجه است که این روایت از طریقه شعبه بن حجاج، گاهی با قید «متعمند» و گاهی بدون این قید، نقل شده است.

همچنین عبدالله ابن مبارک از محدثان و فقهاء بزرگ و مورد اعتماد اهل سنت، معتقد است وقتی در روایات منقول از شعبه اختلاف رخ دهد، کتاب غندر حکم و فصل الخطاب است. چون او، کتاب خود را بر شعبه عرضه کرده و او نیز کتاب را تایید کرده است (ذهبی،

۵۰۲/۳). از طرفی دیگر احمد بن حنبل در مسند خود، ابوبکر بن أبي شيبة و محمد بن بشار بندار، این روایت را از محمد بن جعفر غذر، با قید «متعمندا» ذکر کرده‌اند. اضافه‌ای هم که در برخی نسخه‌های حدیث ذکر شده بود (والله ما قال متعمندا، و انتم تقولون متعمندا...)، ظاهراً سخن وهب بن جریر، راوی زبیر بن عوام است و ادامه کلام خود زبیر نیست.

برفرض ما این قید زیاده را از زبیر قبول کنیم، خود همین روایت، اثبات می‌کند که قید «متعمندا» فی الجمله از نبی اکرم ﷺ صادر شده است، چون زبیر از اصحاب دیگر می‌شنیده است که این روایت را با قید «متعمندا» نقل می‌کردند ولی خودش حدیث مذکور را بدون این قید استماع کرده بود، لذا گفته است من این قید را نشنیده‌ام، اما این منافاتی ندارد که پیامبر اسلام ﷺ گاهی برای تاکید قید متعمنداً را ذکر می‌کردند و گاهی به خاطر وضوح مقصود بودن آن، حدیث را بدون قید ذکر می‌کردند. (علمی، ۹۷)

۴-۶. بررسی قید متعمندا در طرق حدیث من کذب علی متعمندا

براساس کتاب طرق حدیث «من کذب علی متعمندا» طبرانی، جدولی بیوست مقاله قرار دادیم که وضعیت قید «متعمندا» در روایات منقول از اصحاب پیامبر اسلام ﷺ را روشن می‌کند (نک: طبرانی، ۲۷-۱۷۴). در این جدول علاوه بر قید «متعمنداً»، قیود دیگری که مترادف آن هستند؛ (مثل فری، افتري، یعلم أنه کذب...) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه بحث، تحلیل مختصری از جدول تهیه شده از طُرُق حدیث مزبور، ذکر خواهد شد.

۱. قید «متعمنداً» با ۱۳۲ طریق از ۴۶ صحابه نقل شده است.
۲. قید متعمندا و همچنین تعبیر مترادف آن (فری و افتري و یلم أنه کذب...)، در مجموع با ۱۴۶ طریق از ۴۸ صحابه نقل شده است که به عبارت دیگر ۸۰ درصد صحابه‌ای که این حدیث را نقل کردند، این قید را نیز به صورت متواتر ذکر کرده‌اند.
۳. برخلاف ادعای ابوریه، این قید در طرق منقول از خلفای ثلثه، حضرت علی، خلیفه

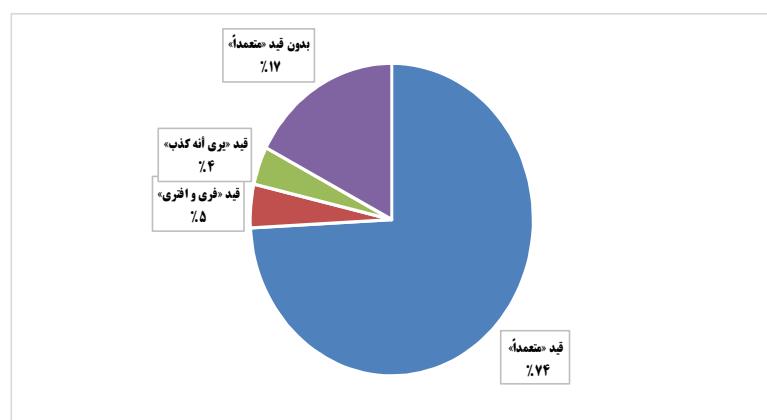
اول، دوم و صحابی جلیل القدری مثل عبدالله بن مسعود، انس ابن مالک، ابن مسعود، زبیر بن عوام، ابوهریره و عائشہ و ... ذکر شده است.

۴. علی‌رغم مناقشه‌ای که ابوریه درباره شخصیت ابوهریره دارند و نسبت جعل حدیث به او می‌دهند، ۷ طریق از ۱۲ منقول از ایشان، با قید «متعمداً» و ۵ طریق آن، بدون قید زیاده، نقل است.

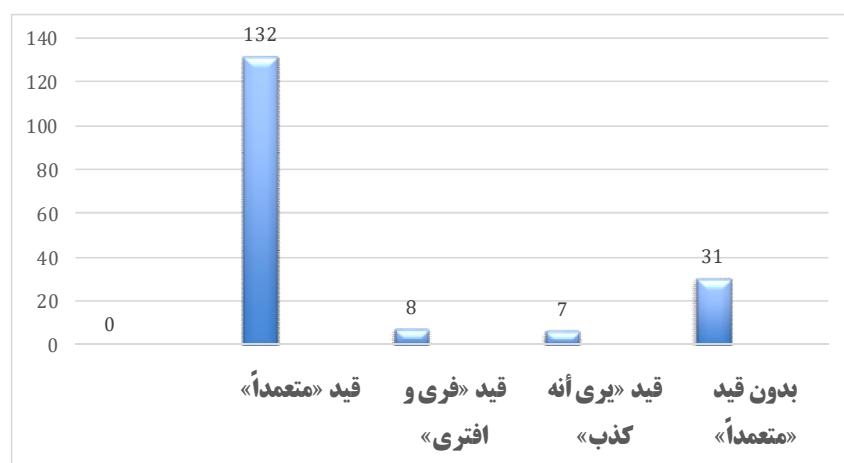
۵. در طرق منقول از برخی صحابه، این قید، به طور مستفیض یا حتی به حدّ تواتر، نقل شده است، مثل: انس بن مالک با ۲۵، عبدالله بن با ۱۴ و حضرت علی^{علیه السلام} با ۱۳ طریق، از آنان نقل شده است.

۶. این حدیث، از برخی اصحاب فقط با قید «متعمداً» نقل شده است، مثل: انس بن مالک، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله. بنابراین ادعای افزوده بودن قید «متعمداً» از ناحیه جاعلان یا درج راویان، قابل پذیرش نیست؛ بلکه این قید، تواتر لفظی دارد؛ همانطور که شماری از علمای شیعه و اهل سنت بدان تصریح کردند. (ابوشعبه، ۵۲؛ شهید ثانی، ۶۸؛ فضلی، ۱۱۱)

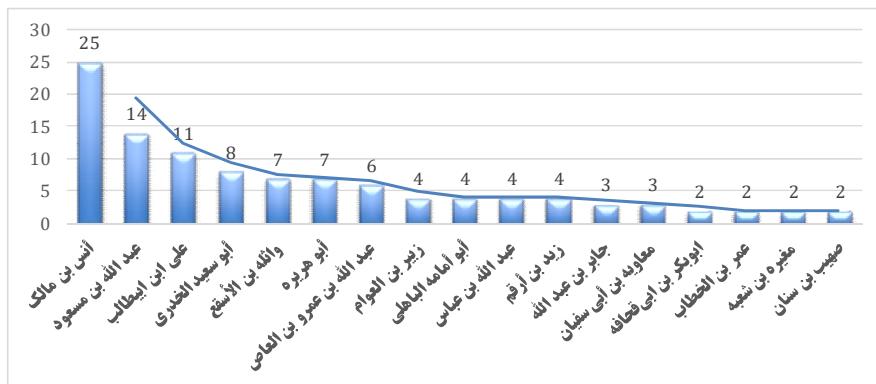
۴-۶. نمودارهای طرق حدیث من کذب علی متعمند^۱



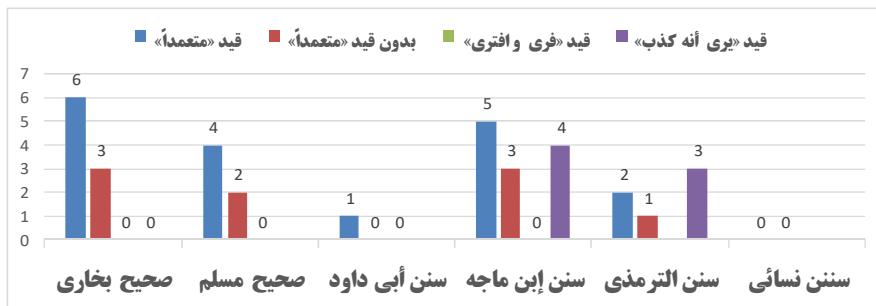
۱. درصد قید «متعمند» و قیود مترادف آن در طرق حدیث من کذب علی متعمند^۱



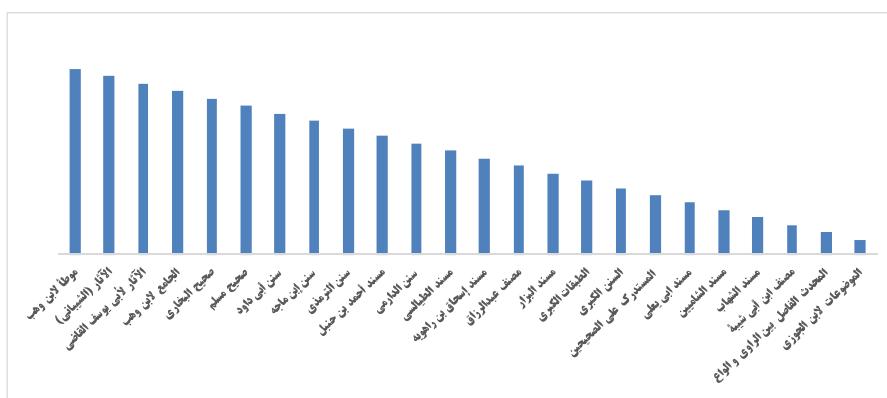
۲. تعداد قید «متعمند» و قیود مترادف آن در طرق حدیث من کذب علی متعمند^۱



^۳. کثرت نقل قید «متعتمداً» در طرق حدیث من کذب علی متعتمداً



^۴. ذکر قید «متعمداً» و قیود مترادف آن در جوامع سنته اهل سنت



۵. قید «متعمداً» در کتب حدیثی اهل سنت

نتایج مقاله

۱. قید «متعتمداً» به صورت متواتر از صحابه پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است.
۲. قید مذکور در کتب معتبر اهل سنت از جمله صحیحین، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه و سنن ترمذی ذکر شده است.
۳. این قید مورد تأیید قرآن کریم و سنن پیامبر ﷺ است و هیچ محذور عقلی نیز ندارد، و شواهد ارائه شده توسط ابوریه، ناتوان از اثبات جعل یا درج برای قید زیاده است.
۴. قید «متعتمداً» صرفا برای تاکید آمده است؛ چون متبار از جمله «کذب فلان» تعّمد در دروغگویی است.
۵. عکس ادعای ابوریه در حدیث مزبور، قابل طرح است: قید متعتمداً از احادیث نبوی، سُقْط شده است تا مردم در نقل حدیث از پیامبر اسلام ﷺ اهتمام و رغبت نکنند تا جریان ممنوعیت نگارش و نقل حدیث همچنان پابرجا و مستحکم در جامعه برقرار باشد؛ وقتی اکثر طُرق «حدیث من کذب علی» با قید «متعتمداً» نقل شده است، این تاکید بر تعّمد و رفع گناه غیرعمد، موجب کثرت نقل احادیث نبوی می‌شد. بنابراین حساسیت عده‌ای از محدثان اهل سنت مثل وهب بن جریر را بر انگیخت و شروع به مخالفت با این قید زیاده کردند تا منجر به سُقْط این قید شد، عده‌ای از دانشمندان معاصر مثل ابوریه هم برای تایید و توجیه جریان تاریخی ممنوعیت نقل و نگارش حدیث از پیامبر اسلام ﷺ، قید مذکور را مورد انکار قرار دادند تا جریان ممنوعیت نقل و نگارش حدیث در قرون اولیه اسلامی، پابرجا و موجه، جلوه گردد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالعرف، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسنده الإمام احمد بن حنبل، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم، مسنده إسحاق بن راهویه، مدینه، مکتبه الإیمان، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنت ابن ماجه، دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعه النشر و التوزیع، بی تا.
۹. همو، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، دمشق، دار الفکر للطباعه و التوزیع و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۰. ابن وهب، عبدالله بن وهب، موطأ ابن وهب الصغیر، مدینه، مکتبه جامع العلوم و الحكم، ۱۴۳۲ق.
۱۱. ابویریه، محمود، اضواء على السنة المحمدیة، بی تا.
۱۲. همو، شیخ المضیر ابوهیریه، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۳. ابوشهیه، محمد بن محمد، دفاع عن السنة، قاهره، مکتبه السنة، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ازهربی، محمد بن محمد، تهذیب اللّغة، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۱ق.
۱۵. البانی، محمد ناصرالدین، تصحیح حديث إفطار الصائم قبل سفرة بعد الفجر، مکتبة المعارف، ۱۴۲۱ق.
۱۶. بخاری، محمد بن مسلم، تصحیح بخاری، بیروت، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۷. بزار، احمد بن عمر، مسنده البزار المنشور باسم البحر الزخار، مدینه: مکتبة العلوم و الحكم، ۲۰۰۹م.
۱۸. بهبادی، سیدمحمد اخوان، یابان نامه کارشناسی ارشد، تبیین و تطبیق مبانی نقد و روش فهم حدیث در کتاب «اضواء على السنة المحمدیة» و «الانتوار الكافشة»، دانشگاه قم، ۱۳۹۲ش.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، مصر، شرکة مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۲۰. ثفتازانی، مسعود بن عمر، المظلول، مکتبة الداوری، بی تا.
۲۱. جاحظ، عمرو بن بحر، تهذیب الاخلاق، دارالصالحای للتراث، ۱۴۱۰ق.
۲۲. جرجانی، علی بن محمد، التعیریفات، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.
۲۳. حمزه، محمد بن عبدالرازاق، ظلمات ابی ریه امام اضواء السنة المحمدیة، المطبعة السلفیة و مکتبتها، قاهره، ۱۳۷۸ق.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تقدیم العلم للخطیب البغدادی، بیروت، إحياء السنة النبویه، بی تا.
۲۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسنند الدارمی المعروف به «سنن الدارمی»، دار المغنى للنشر و التوزیع، ۱۴۱۲ق.
۲۶. ذہبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتداں فی نقد الرجال، بیروت، دار المعرفة للطباعه و النشر، ۱۳۸۲ق.
۲۷. رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن، المحدث الفاصل بین الروای و الواقعی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
۲۸. روشن ضمیر، محمد ابراهیم، حجیت سنت از دیدگاه محمود ابویریه، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.
۲۹. زرکشی، محمد بن عبدالله، البحر المحيط فی أصول الفقه، دارالكتبی، ۱۴۱۴ق.
۳۰. سلطانی، اختر، بررسی مبانی فکری و آراء ابویریه در زمینه حدیث، فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹۶ش.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدریب الراوی فی شرح تقریب التواوی، دارطیبة، بی تا.
۳۲. شنقطی، احمد بن محمود، خبر الواحد و حجیته، مدینه، عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامية، ۱۴۲۲ق.

۳۴. شیخ احمد، محمد رشید، پایان نامه کارشناسی ارشد، نقد و تحلیل بخشی السنہ کتاب أضواء علی الله المحمدیة، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۱ آش.
۳۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، طرق حدیث «من کذب علی متعتمدا»، تحقیق علی حسن علی عبدالحمید و هشام بن اسماعیل السقا، المکتب الاسلامی و دارعمار، بی تا.
۳۶. همو. طرق حدیث «من کذب علی متعتمدا»، ۳۷. المکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ آق.
۳۸. طحاوی، احمد بن محمد. شرح مشکل الآثار، مؤسسه الرسالۃ، ۱۴۱۵ آق.
۳۹. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ آش.
۴۰. طیلسی، سلیمان بن داود، مسند أبی داود الطیلسی، قاهره، دارهجر، ۱۴۱۹ آق.
۴۱. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، بیروت، المکز الغدیر للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۳۲ آق.
۴۲. قشیری نیشابوری، محمد بن مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۳۷۴ آق.
۴۳. العاملی، زین الدین معروف به شهید ثانی، الرعایه فی علم الدرایة، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۸ آق.
۴۴. مرتضی زیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ آق.
۴۵. معلمی، عبدالرحمن بن یحیی، الانوار الكاشفه، دار عالم الفوائد، ۱۴۳۴ آق.
۴۶. نقیزاده، حسن، تأملی در حدیث «من کذب علی متعتمدا»، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهلم، شماره پیاپی ۸۱/۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ آش.

